



جرم تهدید در حقوق کیفری ایران و آمریکا

محمد مهدی رحیمی^۱

محمد علی مهدوی ثابت^۲

محمد آشوری^۳

حسین آقایی نیا^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۴/۱۲

چکیده

تهدید از جمله رفتارهایی می باشد که در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. اهمیت بررسی جرم تهدید در جایی است که از طرفی اشخاص و شهروندان مطابق قوانین داخلی و اسناد بین المللی از حق بسیار مهمی تحت عنوان «حق آزادی بیان» برخوردار هستند و نقض حق مذکور با ضمانت اجرای کیفری همراه است و از طرف دیگر بیان برخی الفاظ یا ارتکاب رفتاری خاص توسط ایشان و به موجب همان قوانین ممنوع و تهدید کیفری محسوب می گردد. با این وجود قوانین هر دو کشور رویکردهای متفاوتی را در خصوص شرایط تحقق جرم مذکور و برخی مصادیق آن اتخاذ نمودند، هر چند در برخی ویژگی های تهدید از قبیل عدم لزوم به کارگیری وسیله، غیرقانونی و عمدی بودن آن تشابه دارند. با بررسی قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین کیفری در ایران، استعمال واژه تهدید در معانی مختلف و عدم جامع نگری قانونگذار در جرم انگاری تمامی مصادیق تهدید از قبیل تهدید متهمان، تهدید مقامات کشوری و لشگری، تهدید اطفال و تهدید دولت ها به چشم می خورد. در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا نیز برخی خلاءهای قانونی از قبیل

^۱ استادیار، دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): nouroozk@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران docnas@mail.com

^۳ دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران docnas@mail.com

^۴ دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران docnas@mail.com

عدم جرم‌انگاری تهدید متهمان و همچنین اخذ نوشته یا سند با تهدید وجود دارد. بنابراین لزوم بازنگری در حوزه تقنینی به جهت رفع نواقص و خلاءهای قانونی موجود در خصوص تهدید در هر دو کشور از یک سو و شناسایی جایگاه و ماهیت حقوقی تهدید در حقوق کیفری از سوی دیگر، امری اجتناب ناپذیر است.

کلید واژه‌ها

تهدید، ضرر، ترس، ارباب، تهاجم، جرم

مقدمه

تهدید در لغت به معنی ترسانیدن و بیم دادن است. (مظفر، ۱۳۷۲، ۱۶۳) چنین مفهومی وقتی وارد قلمرو حقوق کیفری می‌شود، عنصر مادی برخی از جرائم قرار می‌گیرد و در شکل‌های گوناگونی ظاهر می‌شود. گاه به عنوان موضوع رفتار مجرمانه، گاه به عنوان صفت یک رفتار مجرمانه و گاه نتیجه یک رفتار مجرمانه است. قانونگذار در تحقق بعضی جرائم نتیجه خاص را شرط کرده که بدون حصول این نتیجه نمی‌توان جرم را جرم کامل به شمار آورد. در حالی که در دسته‌ی دیگری از جرائم چنین نتیجه‌ای را ملحوظ نداشته و نفس ارتکاب فعل را صرف نظر از نتیجه آن جرم کامل دانسته است. در خصوص جرم تهدید نیز برخی مواقع قانونگذار صرف تهدید را جرم می‌داند و آن را منوط به تحقق نتیجه خاص ننموده است و در مواقعی دیگر تهدید در منظر قانونگذار در صورتی که نتیجه خاصی را موجب گردد دارای وصف کیفری خواهد بود. ویژگی‌های گوناگون مفهوم تهدید، موجب اختلاف دیدگاه در میان حقوق دانان شده است. برخی از حقوق دانان بر این اعتقاد هستند که در قوانین کیفری نیز همان معنی عرفی و لغوی مراد است و مقصود از آن واداشتن دیگری است به ارتکاب جرم، چندان که ترس از عاقبت رفتار مذکور، مخاطب را مطیع ساخته باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۹۹) فارغ از تعاریف ارائه شده اعم از حقوقی و غیرحقوقی در رابطه با تهدید، شناخت جایگاه آن از اهمیت برخوردار است. درک و شناخت دقیق نسبت به ماهیت تهدید، می‌تواند آثار و کارکردهای متعددی را دربر داشته باشد.

با مطمح نظر قرار دادن تعاریف ارائه شده درخصوص تهدید اعم از لغوی و اصطلاحی و همچنین در نظر گرفتن ارکان مؤثر در تهدید از قبیل مخاطبان، موضوع و عنصر معنوی، تهدید کیفری را می‌توان چنین تعریف نمود: «اعلام قصد ایراد صدمه غیرقانونی به تمامیت

جسمانی یا اموال یا آبرو و یا حیثیت اشخاص و یا بستگان نزدیک ایشان را تهدید گویند.»

در حقوق کیفری ایران ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) به تبیین مصداق عام تهدید پرداخته است. این ماده قانونی مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سَرّی نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

در ایالات متحده آمریکا ماده ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه^۱ نیز تهدید کیفری را به صورت عام بیان نموده است.^۲ به موجب این ماده قانونی تهدید عبارت است از: «هر کس با هدف ارباب دیگری، یا با هدف تخلیه ساختمان، مکان تجمع افراد و وسایل حمل و نقل عمومی یا به هر نحو دیگری، تهدید به ارتکاب هر گونه جرم خشونت‌آمیز نماید که موجب مزاحمت عمومی شدیدی گردد یا به واسطه بی‌اعتنایی شدید نسبت به خطر موجب چنین رعب و مزاحمتی گردد به جنایت درجه سه محکوم می‌شود.»^۳ (Denno, 1985, P13)

با توجه به مواد قانونی فوق، به خوبی ملاحظه می‌گردد جرم تهدید به صورت کلی بیان شده است و مواد قانونی مذکور دارای ایرادات و نواقص متعددی می‌باشند که با تطبیق دو ماده قانونی فوق برخی کاستی‌ها و خلاءها مشخص می‌گردد. با این حال در برخی قوانین یا مواد قانونی در هر دو کشور مصادیق دیگری از تهدید بیان گردیده است. مهمترین این مصادیق، تهدید در موضوعاتی از قبیل انتخابات، امنیت پرواز، تأسیسات و موضوعات سیاسی می‌باشد. از دیگر مصادیق تهدید کیفری که صرفاً در قوانین ایالات متحده آمریکا جرم‌انگاری و مطرح

^۱ Model Penal Code, 1962.

^۲ قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا که جنبه‌ی ارشادی دارد و رعایت مفاد آن برای هیچیک از ایالت‌های آمریکا الزام‌آور نیست، با هدف یاری رساندن به قانونگذاران هر ایالت و به منظور یکسان سازی، به روز نمودن و به حد مطلوب رساندن قوانین کیفری آنان می‌باشد.

^۳ Section 211-3 Terroristic Threats:

A person is guilty of a felony of the third degree if he threatens to commit any crime of violence with purpose to terrorize another or to cause evacuation of a building, place of assembly, or facility of public transportation, or otherwise to cause serious public inconvenience, or in reckless disregard of the risk of causing such terror or inconvenience.

گردیده، تهدید مقامات و اشخاص با هدف اعمال نفوذ غیرمستعارف بر رأی و نظر ایشان است. موضوعی که در حقوق کیفری ایران مغفول مانده است. ماده ۲-۲۴۰ قانون جزای نمونه در بندهای (الف)، (ب) و (پ) به موضوع مذکور پرداخته است. در نقطه مقابل قانونگذار ایران در مواد ۶۹۰ الی ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) هتک حرمت منازل و املاک غیر را جرم‌انگاری نموده و در ماده ۶۹۴ این قانون هتک حرمت منزل یا مسکن دیگری با تهدید را مورد توجه قرار داده و به تحلیل آن پرداخته است، که در قوانین ایالات متحده آمریکا چنین تصریحی وجود ندارد.

بنابراین در این مقاله و با هدف درک دقیق از نقاط اشتراک و افتراق تهدید کیفری در حقوق ایران و آمریکا، که منتهی به شناخت معایب و مزیت‌های موجود و ارائه راهکار در خصوص رفع نواقص قوانین و رویه‌های فعلی می‌انجامد، به تبیین موضوع و ویژگی‌ها تهدید در حقوق کیفری هر دو کشور خواهیم پرداخت. به عبارت دیگر در نوشتار حاضر صرفاً تهدید را به عنوان جرم مستقل کیفری مورد بررسی خواهیم داد و از ورود به ایضاح مفهوم تهدید در قالب بروز نتیجه خاص از قبیل معاونت در جرم خودداری می‌نماییم.

۱- ارکان جرم تهدید

از منظر حقوقی، برای آنکه رفتاری جرم محسوب گردد؛ نخست؛ قانونگذار باید این رفتار را جرم شناخته و برای آن مجازات در نظر گرفته باشد (عنصر قانونی)، دوم؛ رفتاری از قبیل فعل یا ترک فعلی مشخص به منصف ظهور و بروز یا حداقل به مرحله‌ی فعلیت برسد (عنصر مادی)، سوم؛ با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر معنوی).

در خصوص عنصر قانونی جرم تهدید در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا در قسمت پیشین (مقدمه) توضیح داده شد. با بررسی عنصر قانونی جرم تهدید و در رابطه با عنصر مادی این جرم باید گفت، رفتار فیزیکی جرم موضوع ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) فعل مادی مثبت تهدید نمودن است. همین رویکرد در ماده ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا اتخاذ شده است و رفتار فیزیکی جرم مذکور "Threaten" می‌باشد. در کنار رفتار فیزیکی جرم تهدید، باید شرایط و احوال مؤثر در تحقق جرم مذکور را، به منظور تبیین دقیق عنصر مادی این جرم، بررسی نمود. لذا ابتدا شرایط تحقق جرم مذکور در حقوق ایران و سپس ایالات متحده آمریکا را بیان می‌نمائیم و در ادامه به مقایسه هر یک خواهیم پرداخت.

نخست؛ صدر ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) عبارت «... به هر نحو...» به کار رفته است که عبارت مذکور مؤید عدم نقش وسیله در تهدید عام کیفری است به عبارت دیگر تهدید موضوع ماده قانونی فوق‌الاشاره ممکن است با وسیله اعم از سلاح‌های سرد و گرم و یا بدون وسیله صرفاً با الفاظ صورت بپذیرد. بنابراین تهدید موضوع ماده ۶۶۹ قانون مذکور مقید به استفاده از وسیله نمی‌باشد.

دوم؛ قانون‌گذار موضوع تهدید را به قید حصر شامل قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای سرّ می‌داند.

سوم؛ خواسته شخص تهدیدکننده برای تحقق یا عدم تحقق جرم تهدید موضوع ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) ضرورتی ندارد. این ماده قانونی با به کار بردن عبارت «... اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد...» به این مسئله صحنه گذاشته است که خواسته مرتکب در تحقق یا عدم تحقق جرم تهدید عام نقشی نخواهد داشت و صرف تهدید مخاطب نسبت به موضوع مقرر در قانون از سوی تهدیدکننده، جرم مذکور را با در نظر گرفتن سایر شرایط محقق خواهد ساخت.

چهارم؛ دامنه‌ی مشمول تهدید با عنایت به عبارت «... نسبت به خود یا بستگان او...» علاوه بر بزه‌دیده، شامل بستگان وی نیز می‌گردد. با عنایت به توضیحات پیشین در قسمت مربوط به موضوع تهدید و تبیین نظرات فقها و حقوقدانان، به نظر می‌رسد واژه بستگان را نباید تفسیر موسع نمود و صرفاً بستگان نسبی و سببی درجه اول را مشمول آن دانست. با این حال نکته مهم این است که قانون‌گذار فراتر از بزه‌دیده، بستگان وی را نیز در دایره شمول جرم مذکور قرار داده است.

پنجم؛ از صدر ماده ۶۶۹ قانون اخیرالذکر که بیان می‌دارد: «... دیگری را...» چنین استنباط می‌شود که لفظ «دیگری» منحصر به یک فرد نیست و لذا تهدید بیش از یک نفر مشمول این ماده است. در عین حال مشخص بودن طرف شرط است. (آقای نیا، ۱۳۹۴، ص ۲۰۴) بنابراین مخاطب تهدید باید از سوی مرتکب و در منظر وی معین باشد. مجموعه موارد فوق شرایط و اوضاع و احوال پیرامونی جرم تهدید موضوع ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) را تشکیل می‌دهد.

در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا با مطمح نظر قرار دادن ماده ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه می‌توان موارد ذیل را از شرایط پیرامونی جرم تهدید عام کیفری در آن کشور برشمرد.

نخست: تحقق جرم مذکور منوط به استفاده یا به کارگیری وسیله خاصی نیست و به عبارت دیگر قانونگذار ایالات متحده در ماده ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه هیچ‌گونه اشاره‌ای در خصوص به کارگیری وسیله خاصی به منظور تحقق جرم معنونه نداشته است.

دوم: موضوع تهدید، ارتکاب هرگونه جرم خشونت‌آمیز^۱ می‌باشد که در ادامه و به تفصیل به تبیین موضوع تهدید خواهیم پرداخت.

سوم: در این ماده قانونی برخلاف ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۲/۳/۱۳۷۵) هدف مرتکب از اهمیت برخوردار و مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است. با این وجود خواسته مرتکب همانند ماده قانونی اخیرالذکر در حقوق کیفری ایران در تحقق یا عدم تحقق جرم مذکور تأثیری ندارد. با این حال چنانچه مرتکب وجه یا مالی را مطالبه کند رفتار وی تحت عنوان اخاذی^۲ و چنانچه بهره‌مندی جنسی را طلب نماید، رفتار وی در چهارچوب عنوان مجرمانه سوء استفاده جنسی^۳ قابل بررسی است.

چهارم: دامنه‌ی شمول تهدید کیفری با عنایت به ماده ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه آمریکا صرفاً شخص تهدیدشونده می‌باشد و هیچ اشاره‌ای به تهدید بستگان و نزدیکان مخاطب تهدید نشده است. لیکن در ماده ۳-۲۱۱ از قانون جزای نمونه هیچ‌گونه تصریحی در رابطه با تهدید بستگان و اقوام شخص مخاطب نشده است. هرچند با بررسی منطوق این ماده قانونی نیز می‌توان بیان داشت، قانون‌گذار ایالات متحده آمریکا صرفاً اشاره به تهدید نمودن با هدف ارباب دیگری کرده است و دامنه شمول تهدید را مفتوح گذاشته است و تهدید مخاطب و سایر اشخاصی که موجب ارباب وی گردند، جرم معنونه را محقق خواهد ساخت، لیکن از طرفی چنین تفسیری از ماده قانونی مذکور با اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری ماهوی در تعارض خواهد بود، از طرف دیگر با در نظر گرفتن موارد خاص تهدید که در مجموعه قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا مطرح گردیده و در آن ماده قانونی، به تهدید بستگان مخاطب تهدید نیز تصریح شده است، به نظر می‌رسد در صورت تمایل قانون‌گذار به تسری جرم معنونه به بستگان و خویشاوندان مخاطب تهدید، اقدام به تصریح آن می‌نمود.

پنجم: با توجه به صدر ماده قانونی اخیرالذکر و به استفاده از عبارت «... با هدف ارباب دیگری...» می‌توان چنین استنباط نمود که تهدید بیش از یک نفر مشمول این ماده قانونی

¹ To Commit any Crime of Violence.

² Blackmail.

³ Sexual Abuse.

می‌گردد، لیکن باید در نظر مرتکب یا همان شخص تهدیدکننده این اشخاص مشخص باشند. با مقایسه شرایط و اوضاع احوال پیرامونی جرم تهدید کیفری از عنصر مادی این جرم در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا مشخص می‌گردد در سایر شرایط با یکدیگر انطباق دارند مگر در دامنه‌ی شمول تهدید که در حقوق کیفری ایران بنابر تصریح ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) علاوه بر مخاطب، بستگان او را نیز در بر می‌گیرد، لیکن به موجب ماده ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا، جرم تهدید صرفاً نسبت به مخاطب تهدید و با در نظر گرفتن سایر شرایط مطرح قانونی قابل تعقیب و مجازات خواهد بود. رکن آخر از عنصر مادی یک جرم، نتیجه می‌باشد. جرم موضوع مواد قانونی فوق‌الاشاره در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا مطلق هستند و به تعبیر دیگر مقید به نتیجه خاصی نمی‌باشند و صرف تهدید نمودن دیگری اعم از اینکه رفتار مطروحه منتهی به قتل، صدمه بدنی یا ضررهای مالی یا جرائم خشونت آمیز بشود یا نشود، جرم مذکور محقق می‌گردد.

در تحقق جرائم، علاوه بر وجود عنصر مادی، به غیر از جرائم مادی صرف^۱ از قبیل صدور چک بلامحل، عنصر معنوی نیز ضروری است. مبنای عنصر معنوی در تمامی جرائم متشکل از عمد یا خطای کیفری است.

در جرائم عمدی، سوءنیت عام^۲ و سوءنیت خاص^۳ مطرح می‌گردد و در جرائمی که عنصر معنوی آنها خطا می‌باشد، اعمال مجازات مرتکب بر اساس تقصیر وی صورت می‌پذیرد. ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) در تبیین نقش تقصیر در تحقق جرائم غیر عمدی مقرر داشته است:

«تحقق جرائم غیرعمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است. در جنایات غیر عمدی اعم از شبه‌عمد و خطای محض مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود. تبصره - تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود.»

بنابراین در خصوص جرم تهدید که از زمره‌ی جرائم عمدی محسوب می‌گردد باید سوءنیت

¹ Strict Liability Offences.

² General Intent.

³ Specific Intent.

عام و سوءنیت خاص مرتکب را مورد بررسی قرار داد. منظور از سوءنیت عام، اراده فرد در ارتکاب رفتار فیزیکی مجرمانه است، لذا در جرم موضوع ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) سوءنیت عام، همان اراده فرد در تهدید نمودن می‌باشد، به عبارت دیگر سوءنیت عام، عمد در تهدید کردن دیگری است. از طرف دیگر سوءنیت خاص عبارت است از عمد در نتیجه و در معنای دیگر آگاهی از نتیجه و خواستن آن سوءنیت خاص تلقی می‌گردد. با عنایت به اینکه جرم تهدید عام کیفری جرمی مطلق می‌باشد و تحقق آن منوط به تحصیل نتیجه خاصی نمی‌باشد، لذا سوءنیت خاص در عنصر معنوی جرم مذکور منتفی است. بنابراین می‌توان بیان نمود، عنصر معنوی جرم تهدید موضوع ماده ۶۶۹ قانون فوق‌الاشاره، صرفاً سوءنیت عام، یعنی عمد در تهدید نمودن است و تحقق آن مستلزم وجود سوءنیت خاص نیست.

نکته دیگری که ذکر آن خالی از فایده نیست، عدم تأثیر انگیزه مرتکب در تحقق جرم معنونه است. انگیزه^۱ مرتکب، با توجه به مفهوم و منطوق ماده‌ی قانونی فوق، هیچگونه تأثیری در تحقق یا عدم تحقق جرم تهدید عام در حقوق کیفری ایران نخواهد داشت.

عنصر معنوی جرم تهدید در حقوق کیفری آمریکا با مطمح نظر قرار دادن ماده ۳-۲۱۱ از قانون جزای نمونه، نیز همانند حقوق کیفری ایران است. معذک بر خلاف حقوق کیفری ایران که انگیزه مرتکب در تحقق این جرم نقشی ایفاء نمی‌کند، در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا و با توجه به صراحت منطوق ماده قانونی اخیرالذکر و در نظر گرفتن عبارات «... با هدف ارباب دیگری یا موجب تخلیه ساختمان، مکان تجمّع، وسایل حمل و نقل عمومی...» می‌بایست خاطر نشان نمود انگیزه مرتکب نقش مهمی در تحقق جرم مذکور دارد و انگیزه مرتکب باید یکی از موارد مصرح در متن قانون از قبیل ارباب و ترساندن دیگران باشد. با بررسی عناصر متشکله جرائم موضوع ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) ایران و ماده ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه آمریکا، ضمن تبیین دقیق جرم مذکور در هر دو کشور، وجوه افتراق و اشتراک تهدید در آن کشورها نمایان شد.

۲- مجازات‌ها

در ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) برای مرتکب تهدید تا هفتاد و

^۱ Motivation.

چهار ضربه شلاق یا از دو ماه تا دو سال حبس در نظر گرفته شده است و به موجب ماده ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا، تهدید مذکور مجازات جنایت درجه سه را همراه خواهد داشت، که به اندازه هفت سال حبس خواهد بود، هرچند درجه و میزان و نوع آن در سایر ایالات متفاوت است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد میزان مجازات هر دو کشور به میزان قابل توجهی متفاوت می‌باشد. تهدید در حقوق کیفری ایران به موجب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ از جرائم تعزیری درجه شش محسوب می‌شود که با عنایت به مفاد مواد ۲۳ و ۲۵ قانون فوق مشمول مجازات تکمیلی می‌گردد، لیکن مجازات تبعی بر مرتکب تحمیل نمی‌شود. همچنین با توجه به مفاد مواد ۴۰ و ۴۶ همان قانون دادگاه می‌تواند تعویق صدور حکم و یا تعلیق اجرای مجازات را در خصوص تهدیدکننده اعمال نماید. با این حال، با عنایت به مجازات‌های مطروحه، شایسته بود قانونگذاران هر دو کشور با مد نظر قرار دادن مبانی مذکور از قبیل موضوع، مخاطب، شکل و نوع تهدید، مجازات‌های مختلف و در طبقه‌بندی‌های متفاوتی ارائه می‌نمودند. به عنوان مثال باید در مجازات تهدیدی که نفس و جان مخاطب را هدف قرار داده است با تهدیدی که صرفاً اموال او را موضوع خود قرار داده است، تفاوت قائل شد.

۳- موضوع جرم تهدید

منظور از موضوع تهدید در واقع متعلق تهدید یا آن چیزی است که تهدید نسبت به آن واقع می‌گردد و به عبارت دیگر تهدید به آن نهاده می‌شود. موضوع تهدید با عنایت به مفاد مواد قانونی مرتبط با تهدید و همچنین مبانی مطروحه در فقه می‌تواند اضرار به تمامیت جسمانی شخص تهدید شونده یا اموال و یا عرض وی باشد. به عبارت دیگر مرتکب تهدید بواسطه رفتار تهدیدآمیز خود یا جان یا مال یا عرض شخص تهدید شونده را هدف قرار می‌دهد که در ادامه به ایضاح هر یک خواهیم پرداخت.

۳-۱- اضرار به نفس یا تمامیت جسمانی

از مهمترین موضوعات تهدید که غالب پرونده‌های کیفری مطروحه در دادسراها و محاکم کیفری را تشکیل می‌دهد اضرار به نفس یا جان شخص تهدید شونده و به عبارت دیگر تمامیت جسمانی وی می‌باشد. چنین موضوع تهدیدی می‌تواند منتهی به قتل و یا آسیب‌های وارده به جسم شخص شود.

به عنوان نمونه می توان به تهدید به پاشیدن اسید، کشتن و یا مضروب و مجروح نمودن شخص اشاره نمود. بنابراین مهمترین و شایع ترین موضوع تهدید را می توان قتل و ضررهای نفسی و یا تمامیت جسمانی اشخاص برشمرد. لذا بدین جهت است که صدر ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) اولین موضوع تهدید را قتل یا ضررهای نفسی بیان می نماید. با بررسی قوانین در ایالات متحده آمریکا نیز به نتیجه فوق نائل می آئیم. علاوه بر اینکه قانون جزای نمونه آمریکا موضوع تهدید را جرائم خشونت آمیز برشمرده است که دربر گیرنده جنایات علیه نفس و تمامیت جسمانی مخاطب است، برخی از مواد قانونی مرتبط با تهدید در مجموعه قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا^۱ به موضوع قتل یا ضررهای نفسی اشاره دارد، که اهم آنها به شرح ذیل عبارتند از:

✓ ماده ۸۷۱. تهدیدات علیه رئیس جمهور و جانشینان ریاست جمهوری؛^۲

براساس ماده قانونی مذکور مهمترین موضوعات تهدید علیه مقامات فوق که بدان تصریح گردیده، تهدید به سلب حیات، آدم ربایی یا ایراد صدمه بدنی است.^۳

✓ ماده ۸۷۶. ارتباطات پستی تهدیدآمیز؛^۴

در این ماده قانونی، ضمن قابل مجازات برشمردن هرگونه محتوای پستی تهدیدآمیز، دو موضوع مهم تهدیدآمیزی که احصاء می نماید، ربودن اشخاص یا مجروح نمودن ایشان است.^۵ هر چند در سطور بعدی از همان ماده قانونی موضوعات دیگری از قبیل صدمه و اضرار به اموال شخص تهدیدشونده را نیز مطرح نموده است.

✓ ماده ۸۷۹. تهدیدات علیه روسای جمهور سابق و برخی اشخاص دیگر؛^۶

به موجب ماده قانونی مذکور تنها موضوعات تهدیدآمیزی که علیه اشخاص مذکور قابل مجازات شناخته شده است عبارتند از: قتل، آدم ربایی و ایراد صدمه بدنی. به عبارت دیگر صدر ماده ۸۷۹ از مجموعه قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا اشعار می دارد: «الف- هر شخصی که

¹ United State Law Code.

² Threats against President and successors to the Presidency.

³ "... any threat to take the life of, to kidnap, or to inflict bodily harm upon the President of the United States"

⁴ Mailing threatening communications

⁵ "... any communication containing any threat to kidnap any person or any threat to injure the person of the addressee"

⁶ Threats against former Presidents and certain other persons

عالماً و عامداً تهدید به قتل، آدم‌ربایی یا ایراد صدمه بدنی نسبت به اشخاص ذیل‌الذکر نماید... محکوم به جزای نقدی به موجب فصل هجدهم یا حبس تا پنج سال و یا هر دو خواهد شد.^۱

۲-۳- اضرار به اموال

از دیگر موضوعات، مطرح، تهدید به آسیب رساندن به اموال اشخاص می‌باشد. در این خصوص تهدیدکننده طرف مقابل را به ضرر در اموالش بیم می‌دهد. نمونه بسیار رایجی که در این رابطه می‌توان به آن اشاره نمود تهدید به پنچر نمودن لاستیک وسیله نقلیه موتوری زمینی به واسطه پارک نمودن در مکانی خاص است. این نمونه که ساده‌ترین و رایج‌ترین موضوع تهدید در جامعه فعلی ما محسوب می‌گردد به نحوی است که شخص تهدیدکننده طرف مقابل را به ضرر مالی بیم می‌دهد. معذک در خصوص اینکه مال می‌تواند موضوع تهدید واقع گردد یا خیر بین فقها اختلاف نظر است. برخی که می‌توان از ابوحنفیه نیز نام برد قائل به این هستند که مال و تهدید به خسارت مالی نمی‌تواند موضوع تهدید مؤثر واقع شود و به تبع، آثار تهدید را بر آن مترتب دانست، هر چند میزان خسارت احتمالی زیاد باشد. بنابراین هیچ کس نمی‌تواند به استناد تهدید به اتلاف مالی و ایراد ضرر و زیان مالی، دست به ارتکاب فعل حرام بزند، چرا که موضوع تهدید و اکراه؛ اشخاص هستند و نه اموال. (محقق داماد، ۱۳۸۷، ۹۳) با این حال، به نظر می‌رسد مال باید قابل توجه باشد و استدلال غالب فقهای امامیه نیز به بیم اضرار به مال قابل توجه تعلق گرفته است. (نجفی، ۱۳۵۹، ۱۲) شاید بتوان دلیل چنین رویکردی را عدم حصول بیم اضرار در اموال ناچیز دانست که البته این امر نیز نسبی است و مقدار معینی از مال ممکن است برای کسی قابل اغماض باشد در حالی که همان میزان مال احتمال دارد برای شخص دیگری مقدار معتناهایی تلقی گردد، فلذا به نظر می‌رسد در این خصوص باید قائل به ارائه معیار شخصی^۲ شد.

قانون مجازات اسلامی ایران در ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) تهدید به ضررهای مالی را به عنوان یکی از موضوعات جرم تهدید شناخته است. معذک به هیچگونه تبیینی در خصوص میزان ضرر مالی نپرداخته و مطلق تهدید به ضررهای مالی را جرم دانسته است.

^۱ "(a) Whoever knowingly and willfully threatens to kill, kidnap, or inflict bodily harm upon ... shall be fined under this title or imprisoned not more than 5 years, or both."

^۲ Subjective Test.

در ایالات متحده آمریکا هر چند مهمترین موضوع تهدید قتل یا ضررهای نفسی می‌باشد، معذک تهدید به ضررهای مالی نیز مورد مطمح نظر قرار گرفته است. به عنوان نمونه بند (ت) از ماده ۸۷۶ و ماده ۸۷۷ مجموعه قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا، با عنوان ارتباطات پستی تهدیدآمیز، به صراحت یکی از موضوعات تهدید را ضرر و صدمه به اموال شخص تهدیدشونده برشمرده است. با این حال در موارد دیگر از قبیل تهدیدات علیه رئیس جمهور، قضات، مقامات اجرایی و غیره مجموعه قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا تصریحی به موضوع ضررهای مالی نداشته است.

۳-۳- اضراز به عرض

منظور از عرض، آبرو، حیثیت و شرف شخص می‌باشد. یکی دیگر از موضوعات تهدید می‌تواند ریختن آبروی شخص تهدیدشونده باشد. نکته‌ای که می‌بایست در این خصوص مورد مطمح نظر قرار داد این است که عرض و آبرو گاهی به طور مستقیم موضوع تهدید قرار می‌گیرد و گاهی نیز رفتار شخص تهدیدکننده به طور غیرمستقیم منتهی به هتک حیثیت و آبروی شخص تهدیدشونده می‌گردد. در مورد نخست شخص تهدیدکننده طرف مقابل را به واسطه انجام یا عدم انجام رفتاری، صراحتاً تهدید به بردن آبروی وی می‌کند لیکن در مورد دوم اگرچه شخص تهدیدکننده صراحتاً از بردن آبروی شخص تهدیدشونده سخنی به میان نمی‌آورد اما نوع رفتار وی منتهی به هتک آبروی او خواهد شد. به عنوان مثال تهدید به انتشار فیلم و عکس‌های خصوصی شخص تهدیدشونده از مصادیق مورد دوم محسوب می‌گردد.

سوال مهمی که در این قسمت ذهن را به خود معطوف می‌سازد این است که معیار آبرو و به تبع آن هتک آبرو چیست؟ آیا آبرو مفهومی مطلق و در خصوص تمامی افراد جامعه یکسان است؟ با بیان یک مثال به ایضاح سوالات فوق می‌پردازیم. فرض می‌کنیم آقای (الف) و خانم (ب) مدتی با یکدیگر در ارتباط بودند و آقای (الف) از روابط خصوصی یکدیگر اقدام به فیلم برداری نموده است که در آن فیلم تصویر و هویت مشارالیه‌ها مشخص است و آقای (الف) با بیان رابطه خود با خانم (ب) به دوستان و آشنایان خود این موضوع را مطرح می‌کند و حتی فیلم تهیه شده را نیز بین دوستان خود بدون اطلاع خانم (ب) انتشار می‌دهد. بعد از مدتی آقای (پ) که از دوستان آقای (الف) می‌باشد، هر دو نفر یعنی آقای (الف) و خانم (ب) را تهدید به انتشار فیلم مذکور و اعلام رابطه آنان در فضای مجازی می‌نماید. در مثال دیگر آقای (الف) با تجاوز به خانم (ب) و تهیه فیلم، او را تهدید به انتشار فیلم مذکور می‌کند. سوال این است که

آیا در هر دو مثال با پخش و انتشار فیلم آبرو و عرض هر دو نفر به یک میزان در معرض خطر قرار می‌گیرد؟ قطعاً پاسخ به این سوال منفی است. به نظر می‌رسد آبرو و حیثیت با جایگاه اجتماعی افراد رابطه مستقیم داشته باشد و بدین جهت است که برخی تحقق تهدید را به خصوصیات روانی و جسمی و سنی و شخصیت و اخلاق و جنس تهدیدشونده وابسته می‌دانند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۱۴۷۶)

گاهی اوقات موضوع تهدید افشاء اسرار مربوط به شخص تهدیدشونده می‌باشد. در این خصوص نیز سوالات متعدد و چالش‌برانگیزی به ذهن خطور می‌کند، از قبیل اینکه ماهیت سرّ چیست؟ آیا عنوان و رفتار مجرمانه می‌تواند از مصادیق اسرار شخص محسوب گردد؟ آگاهی چه تعداد از «سرّ» می‌تواند مصداق افشاء نمودن آن به حساب آید؟

قانونگذار ایران هر چند در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) به جرم‌انگاری در خصوص افشای اسرار پرداخته لیکن هیچ تعریف و ایضاحی در رابطه با مفهوم «سرّ» نداشته است و جرم بودن این رفتار منوط به آن است که شخص به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار مردم شود و نباید ناگفته گذاشت که «افشاء» شامل مطلع کردن حتی یک نفر هم می‌شود. بنابراین برای تحقق جرم، ضرورتی ندارد که شخصی حرفه‌ای در ابعاد گسترده نسبت به افشای اسرار دیگران اقدام کند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰، ۵۴۲-۵۴۳) برخی تشخیص اینکه هر امری جزء اسرار است را با دادگاه دانسته‌اند (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۵۹۷)، اما سوال اساسی این است که دادگاه یا دادسرا براساس چه معیاری مؤلف به تبیین «سرّ» هستند؟

به نظر می‌رسد در موضوع تهدید به افشاء اسرار می‌بایست از یک معیار ذهنی^۱ یا شخصی تبعیت نمود زیرا در چنین وضعیتی حالات و نگرانی‌های ایجاد شده در شخص تهدیدشونده که شخص تهدیدکننده را به اهداف خویش رهنمون می‌سازد از اهمیت برخوردار است و اینکه هر چیز پنهان را «سرّ» تلقی کنیم علاوه بر اینکه با مفهوم این واژه مغایرت دارد با مبانی تهدید نیز در تعارض خواهد بود. به عنوان مثال تهدید هر یک از خانم‌های (الف) و (ب) به اینکه سابقاً با شخصی در ارتباط بودند با توجه به اینکه (الف) فردی مقید و در خانواده سنتی زندگی می‌کند و (ب) تقیدی در خصوص رابطه با اشخاص دیگر ندارد، یکسان نمی‌باشد. در برخی مواقع قانونگذار، بنا به مصالحی، افشای سرّ را جرم نمی‌داند که به عنوان نمونه می‌توان به مواد

^۱ Subjective Test

۱۳ و ۱۹ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار مصوب ۱۳۲۰ و ماده واحد قانون راجع به ثبت و گزارش اجباری بیماری‌های سرطانی مصوب ۱۳۶۳ اشاره کرد و البته این افشاء صرفاً به مراجعی که مقنن برشمرده است، جایز می‌باشد و جرم تلقی نمی‌گردد و در صورت تهدید به افشاء اسرار موضوع مواد قانونی فوق‌الذکر به غیر از اشخاص مذکور در این مواد قانونی، جرم محقق خواهد شد.

۴- ویژگی‌های تهدید

هر رفتار تهدیدآمیزی، مستلزم مجازات و به تعبیری تهدید کیفری محسوب نمی‌شود و رفتار تهدیدآمیز باید مقرون به تمامی اوصاف و ویژگی‌هایی باشد که قانونگذار آن را ضروری دانسته است. همان‌طور که در برخی آراء محاکم بدوی و استیناف ایالات متحده آمریکا و ایران ملاحظه می‌گردد، هر رفتار تهدیدآمیزی منتج به صدور حکم محکومیت نمی‌شود. بنابراین در ذیل این قسمت به تبیین مهمترین ویژگی‌های تهدید کیفری خواهیم پرداخت.

۴-۱- عدم لزوم به کارگیری وسیله

قوانین کیفری تحقق تهدید را مشروط به استعمال یا به کارگیری وسیله خاصی ندانستند. به عبارت دیگر می‌توان گفت در ارتکاب جرم تهدید، به کارگیری وسیله خاصی مدنظر قانونگذار نبوده است. دلیل چنین رویکردی را می‌توان بدین شرح بیان نمود که در صدر ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) مقنن بیان داشته است: «هرکس دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سرتی نسبت به خود یا بستگان او نماید...» استعمال واژه «به هر نحو» در ماده قانونی فوق، تحقق جرم تهدید را مقید به وسیله خاصی نکرده است (آقایی‌نیا، ۱۳۹۴، ۱۸۴) و تهدید بدون هیچ وسیله‌ای محقق می‌گردد. بدین جهت است، همان‌طور که در ایضاح قسمت اشکال تهدید بیان می‌گردد، تهدید می‌تواند گفتاری، نوشتاری و رفتاری باشد.

در ایالات متحد آمریکا نیز وضع به همین شکل است و پذیرش تهدید شفاهی و اعمال مجازات برای مصادیق آن در پرونده‌های کیفری، مؤید آن است که تحقق تهدید در ایالات متحده آمریکا نیز مقید به وسیله خاصی نیست. به عنوان نمونه می‌توان به ماده ۴۲۲ مجموعه

قوانین کیفری کالیفرنیا^۱ اشاره نمود که مقرر داشته است: «هر شخصی که عالماً و با قصد مشخصی، دیگری را تهدید به ارتکاب جرمی نماید که منجر به فوت یا صدمه بدنی شدید نسبت به او می‌گردد [اعم از اینکه] اظهارات وی گفتاری باشد، یا به صورت نوشتاری، یا به وسیله ابزار ارتباطی الکترونیکی صورت پذیرد...».

همان‌طور که در این ماده قانون ملاحظه می‌گردد تهدید دیگری به صورت شفاهی نیز قابل مجازات شناخته شده است. همچنین در ماده ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا در تبیین تهدید اشعار داشته است: «شخصی مستحق مجازات جنایت درجه سه است، چنانچه او تهدید به ارتکاب جرم خشونت‌آمیزی نماید با هدف ارعاب دیگری یا...».

در این ماده قانونی نیز هیچ اشاره‌ای به وسیله خاصی نشده است و صرف تهدید دیگری به ارتکاب جرم خشونت‌آمیز اعم از اینکه با گفتار تنها باشد یا با وسایلی از قبیل اسلحه، چاقو و غیره صورت بپذیرد، قابل مجازات شناخته شده است. معذک قانونگذار در برخی موارد تهدیداتی که با وسایل در موقعیت خاصی صورت می‌پذیرد را مشمول مجازات شدیدتری دانسته است، هرچند شایسته بود قانونگذار از جرم‌نگاری پراکنده در خصوص یک رفتار مجرمانه اجتناب می‌ورزید و استفاده از وسیله خاص یا مخاطب خاصی را در تبصره و بندهای ذیل ماده قانونی عام تهدید، مشمول مجازات شدیدی می‌نمود. با این حال مواد ۶۱۷ و ۶۰۷ از قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) و مواد ۴ و ۵ قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند (اصلاحی ۱۳۸۶/۱۱/۹) اعمال مجازات در خصوص رفتار تهدیدآمیز را مقید به وسیله خاصی نمودند. بند اول ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) تهدید مأموران دولت در حین انجام وظیفه را مقید به نشان دادن سلاح از سوی شخص متمرّد دانسته است و چنانچه شخص متمرّد بدون نشان دادن سلاح و صرفاً با الفاظ یا حرکات به تهدید مأموران دولتی، که در حین انجام وظیفه هستند بپردازد، جرم

^۱ California Penal Code 422 PC.

^۲ ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲): «هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تمرّد محسوب می‌شود و مجازات آن بشرح ذیل است: (۱) هرگاه متمرّد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد حبس از شش ماه تا دو سال. (۲) هرگاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد حبس از یک تا سه سال. (۳) در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال. تبصره- اگر متمرّد در هنگام تمرّد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد.»

موضوع ماده ۶۰۷ قانون مذکور محقق نشده است و در این خصوص می‌بایست به ماده ۶۶۹ همان قانون مراجعه نمود.

ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) تهدید از سوی مرتکب را قابل مجازات برشمرده است که صرفاً با به کارگیری چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر باشد. ماده قانونی مذکور مقرر می‌دارد:

«هرکس به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» به خوبی مشخص است که قانون‌گذار در این ماده قانونی درصدد اعمال مجازات و جرم‌انگاری به کارگیری چاقو یا هر نوع سلاح دیگری و البته با انگیزه‌های مصرح در متن ماده قانونی مذکور بوده است. لذا چنانچه تهدید مخاطب از سوی مرتکب با به کارگیری چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر باشد، می‌بایست ماده ۶۱۷ قانون مذکور را به رفتار مرتکب انطباق داد و در غیر این صورت رفتار تهدید آمیز با مفاد ماده ۶۶۹ همان قانون قابل مجازات خواهد بود. چنین رویکردی (مقید نمودن تهدید به استفاده از وسیله‌ای خاص) در مواد ۴ و ۵ قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند (اصلاحی ۱۳۸۶/۱۱/۹) نیز به چشم می‌خورد. مقنن تهدید مخاطب را مقید به استفاده از آثار مبتذل و مستهجن دانسته که از وی تهیه شده است.

در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا موضوع تا حدی متفاوت است، هر چند تحقق برخی جرائم از قبیل ارتباطات پستی تهدید آمیز، موضوع مواد ۸۷۶ و ۸۷۷ از عنوان هجدهم مجموعه قوانین حقوقی ایالات متحده، مقید به وسیله خاصی که همان وسایل پستی می‌باشد، گردیده است. بنابراین تهدید موضوع مواد فوق‌الذکر صرفاً با ارتباطات پستی صورت می‌پذیرد و چنانچه با وسایلی غیر از موارد و وسایل مصرح قانونی انجام شود، تهدید مطروحه به وقوع نخواهد پیوست. نکته‌ی دیگری که می‌بایست بدان اشاره نمود این است که در حقوق کیفری ایالات متحده غالباً و در اکثر ایالت‌ها، چنانچه تهدید با سلاح از قبیل چاقو و تفنگ صورت پذیرد، رفتار مجرمانه مذکور قابل انطباق با عناوین مجرمانه دیگری مانند تهاجم خواهد بود. به عنوان نمونه در پرونده کیفری تولدو^۱ هنگامی که وی بواسطه رفتار جوانا (همسرش) عصبانی شد و

¹ People V. Toledo, 2001.

او را با الفاظ «می‌دانی! مرگ امشب به سراغت خواهد آمد من تو را خواهم کشت...». تهدید کرد و در ادامه در حالی که قیچی در دستانش بود و آن را به سمت گردن جوانا نزدیک می‌کرد او را با عبارت: «آیا تو می‌خواهی امشب بمیری، آیا می‌خواهی؟ البته تو ارزش زندان رفتن نداری.» تهدید می‌نمود و در نهایت هنگامی که جوانا با مشایعت ماریچلو (همسایه آنها) به خانه برگشت، متهم (تولدو) با حالت حمله کنان در حالی که فریاد می‌کشید به سمت آنها دوید و اتوی لباس را به سمتشان پرتاب کرد. کیفرخواست صادره درخصوص آقای تولدو متضمن سه اتهام بود. نخست تهدید کیفری علیه جوانا بواسطه الفاظی که در ابتدا به وی گفته بود. مورد دوم تهاجم کیفری علیه جوانا بود، هرچند تولدو الفاظ تهدیدآمیز به کار برده بود لیکن بواسطه به کارگیری قیچی، اتهام وی از تهدید به تهاجم ساده تغییر عنوان داد و مورد سوم نیز که با دویدن و فریاد کشیدن تولدو نسبت به جوانا و ماریچلو رخ داده بود به دلیل پرتاب اتوی لباس، عنوان تهاجم ساده را به خود گرفت.

از سوی دیگر قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا در ماده ۲۱۱ و به طور خاص مواد ۱-۲۱۱ و ۳-۲۱۱ به تبیین جرائم تهاجم و تهدید پرداخته است، تهدید را مقید به استفاده از سلاح ننموده است و در صورت به کارگیری سلاح در حین تهدید سایر ایالاتها تمایل به انطباق رفتار مذکور با جرم تهاجم کیفری دارند.

با عنایت به توضیحات فوق، مشخص و مبرهن است که جرم تهدید در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا مقید به وسیله خاصی و به کارگیری سلاح نیست، هر چند در برخی موارد، چه در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده، قانونگذار برخی مصادیق محدودی از تهدید را مقید به وسیله نموده است که مهمترین آنها تهدید با سلاح، تهدید از طریق لرتباطات پستی و تهدید بوسیله آثار مستهجن و مبتذل می‌باشد که در ادامه به تبیین آنها می‌پردازیم.

۱-۱-۴- تهدید با اسلحه

همان‌طور که اشاره گردید مطابق قوانین کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا، تحقق تهدید کیفری منوط به استفاده از هیچ وسیله خاصی نیست، معذک برخی قوانین برای تهدید با سلاح مجازات جداگانه‌ای در نظر گرفتند.

حقوق کیفری ایران در ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) تهدید با اسلحه را مشمول مجازات برشمرده است. بنابراین تهدید با سلاح مشمول ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) و تهدید بدون به کارگیری سلاح تحت شمول ماده ۶۶۹

این قانون خواهد بود. به منظور تبیین سلاحی که در تهدید نمودن مورد استفاده قرار می‌گیرد باید به قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰ و همچنین تبصره الحاقی سال ۱۳۸۷ به بند سوم ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) مراجعه کرد. قانون نخست با بررسی مواد آن به طور کلی سلاح را در پنج گروه سرد جنگی، گرم سبک غیر خودکار، گرم سبک خودکار، گرم نیمه سنگین و گرم سنگین بعلاوه یک گروه دیگر تحت عنوان اقلام تحت کنترل از قبیل گازهای بی‌حس کننده، بی‌هوش کننده، اشک‌آور، مواد شک‌دهنده، محترقه، ناریه، منفجره، میکروبی و رادیواکتیو مورد بررسی قرار داده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، قانون مذکور سعی در تبیین دقیق انواع سلاح داشته است، لیکن هیچ اشاره‌ای به سلاح سرد غیرجنگی ننموده است موضوعی که در تبصره الحاقی سال ۱۳۸۷ به بند سوم ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) مورد توجه قرار گرفته است. تبصره مذکور مقرر می‌دارد: «منظور از سلاح مذکور در این بند موارد ذیل می‌باشد: ۱- انواع اسلحه گرم از قبیل تفنگ و نارنجک؛ ۲- انواع اسلحه سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه‌بکس؛ ۳- انواع اسلحه سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یا مشابه آن‌ها و سرنیزه‌های قابل نصب بر روی تفنگ؛ ۴- انواع اسلحه شکاری شامل تفنگ‌های ساچمه‌زنی، تفنگ‌های مخصوص بیهوش کردن جانداران و تفنگ‌های ویژه شکار حیوانات آبی.» بنابراین منظور از سلاح در ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) اعم از سلاح سرد و گرم می‌باشد و تصریح قانون‌گذار به چاقو این مفهوم را به ذهن متبادر می‌نماید که سلاح سرد غیرجنگی نیز برای تحقق جرم مذکور کفایت می‌کند. معذک چوب، چماق، سنگ و اسید با درنظر گرفتن تفسیر مضیق قوانین کیفری ماهوی از شمول سلاح خارج هستند. در مجموع باید گفت چنانچه شخصی صرفاً با الفاظ یا حرکات و یا رفتار خود دیگری را تهدید نماید، مشمول ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) می‌گردد و اگر با سلاح اعم از سرد یا گرم دیگری را تهدید کند، رفتار وی با ماده ۶۱۷ قانون مذکور قابل تطبیق و مجازات خواهد بود.

در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا موضوع تا حد زیادی متفاوت است و علاوه بر اینکه تعریف سلاح و معیار کشنده بودن آن با ضابطه تعیین گردیده است، عنوان مجرمانه نیز تغییر می‌کند. در خصوص تهدید با سلاح، کشنده بودن آن به دو عامل بستگی دارد: (۱) آنچه که ماهیت آن است و (۲) چگونگی به کارگیری آن. بنابراین اشیاء ذیل به موجب احکام صادره و با

عنایت به شرایط استفاده از آنها، سلاح‌های کشنده محسوب می‌شوند: اسلحه پر، خنجر، شمشیر، تبر، میله آهنی، چوب بیس‌بال، آجر، سنگ، کلنگ یخ‌شکن، اتومبیل و طپانچه‌ای که به عنوان چماق استفاده می‌شود. سلاح‌هایی وجود دارد که اشخاص معمولی نمی‌توانند با آنها مرتکب قتل شوند؛ در این موارد، قتل دیگری با قلمتراش یا یک سنجاق نیاز به متخصص دارد. با وجود این، چنین سلاح‌هایی که اگر توسط یک کارشناس و به شیوه ماهرانه‌ای و به طرز عمدی مورد استفاده قرار گیرد، سلاح کشنده محسوب خواهند شد. (آقایی نیا، ۱۳۸۷، ۱۰۷-۱۰۶)

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد تعریف سلاح و کشنده بودن آن در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا دقیق‌تر و دارای ضابطه می‌باشد. پس از تبیین سلاح در حقوق کیفری آمریکا، حال نوبت به ایضاح این موضوع می‌رسد که رویه قضایی این کشور چه رویکردی در خصوص تهدید با سلاح اتخاذ نموده است؟ به خوبی در پرونده کیفری تولدو سال ۲۰۰۱، رویکرد حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا در خصوص تهدید با سلاح مشخص شده است که قضات چنین رفتاری را از عنوان تهدید خارج و مشمول عنوان مجرمانه تهاجم کیفری نموده‌اند.

۲-۱-۴- تهدید از طریق ارتباط پستی

مجموعه قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا در برخی از مواد قانونی خود تهدید بوسیله ارتباطات پستی و از طریق اداره پست را مشمول مجازات دانسته است و به عبارت دیگر برای تهدیدی که از طریق اداره پست یا ارتباطات پستی صورت می‌پذیرد، عنوان مجرمانه خاصی در نظر گرفته است. عناوین مواد ۸۷۶ و ۸۷۷ و بخش‌هایی از ماده ۸۷۱ از قانون مذکور تصریح بر چنین تهدیدی دارند.

در نقطه مقابل حقوق کیفری ایران بدون توجه به ارتباطات پستی تهدیدآمیز، صرفاً ارتباطات پستی که از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، آن هم در موارد بسیار محدودی، باشد را مطابق ماده ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) یا همان ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ جرم‌انگاری نموده است. ماده ۸۷۶ از عنوان هجدهم مجموعه قوانین حقوقی آمریکا با موضوع «ارتباطات پستی تهدیدآمیز» در بندهای (ب)، (پ)، (ت) اشعار می‌دارد: «... ب - هر شخصی، با قصد اخاذی پول یا هر چیز با ارزشی از شخص دیگری، هرگونه ارتباط و تماسی مشتمل بر تهدید به آدم‌ربایی یا تهدید به ایراد صدمه بدنی نسبت به مخاطب نامه یا دیگری را [به دفتر خدمات پستی] بسپارد یا موجبات تحویل آن را به شرح بند

(الف) [از طریق خدمات پستی] فراهم سازد، به جزای نقدی مصرّح در ذیل عنوان هجدهم یا حبس کمتر از بیست سال و یا هر دو محکوم خواهد شد. پ - هر شخصی که عالماً هرگونه ارتباطات و تماس با نام یا فاقد نامی را که شخص دیگری را مخاطب قرار داده و مشتمل بر تهدید به آدم‌ربایی هر فردی یا هرگونه تهدید به ایراد صدمه بدنی نسبت به شخص مخاطب یا دیگری است را [به دفاتر خدمات پستی] بسپارد یا موجبات تحویل آن به شرح سابق‌الذکر را فراهم سازد، به جزای نقدی مقرر [در عنوان هجدهم این قانون] یا حبس کمتر از پنج سال یا هر دو محکوم خواهد شد. اگر چنین ارتباط و تماس قضات ایالات متحده یا مأمور اجرای حکم [مشتمل بر پلیس] فدرال یا هر مقام رسمی که تحت شمول ماده ۱۱۱۴ است را مخاطب قرار بدهد به جزای نقدی مقرر [در عنوان هجدهم این قانون] یا حبس کمتر از ده سال یا هر دو محکوم خواهد شد. ت - هرکسی، باهدف اخاذی پول یا هرچیز ارزشمندی از دیگری، عالماً هرگونه ارتباط و تماس با نام یا فاقد نامی را که شخص دیگری را مخاطب قرار داده و مشتمل بر تهدید به ضرر مالی یا شرفی مخاطب یا دیگری یا آبروی متوفی است یا شامل تهدید به در معرض اتهام قرار دادن مخاطب یا هر شخص دیگری باشد را [به دفاتر خدمات پستی] بسپارد یا موجبات تحویل آن را فراهم سازد، به جزای نقدی مقرر [در عنوان هجدهم این قانون] یا حبس کمتر از دو سال یا هر دو محکوم خواهد شد. اگر چنین ارتباط و تماسی قضات ایالات متحده یا مأمور اجرای حکم فدرال یا هر مقام رسمی که مشمول ماده ۱۱۱۴ [این قانون] است را مخاطب قرار بدهد به جزای نقدی مقرر [در عنوان هجدهم این قانون]، حبس کمتر از ده سال یا هر دو محکوم خواهد شد.»

همانگونه که ملاحظه می‌گردد در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا چنانچه مرتکب از طریق ارتباطات پستی اقدام به تهدید نمودن دیگری یا فراهم کردن موجبات آن نماید مشمول مجازات مقرر در ماده قانونی فوق می‌گردد. البته باید خاطر نشان کرد که موضوع تهدید منحصر در موارد خاصی از قبیل آدم‌ربایی، ایراد صدمه بدنی، ضرر مالی یا حیثیتی و در معرض اتهام قرار دادن مخاطب یا دیگری است و چنانچه مرتکب از طریق مراسلات پستی دیگری را تهدید به قتل نماید باید به مواد عام در خصوص تهدید کیفری مراجعه کرد.

ماده ۸۷۷ همین قانون به ارتباطات تهدیدآمیز پستی از کشور خارجی می‌پردازد و همان موضوعات مذکور در ماده قبلی را طرح می‌نماید.

ماده ۸۷۱ این قانون در خصوص تهدیدات علیه رئیس جمهور و جانشینان ریاست جمهوری با مطمح نظر قرار دادن ارتباطات پستی تهدیدآمیز علیه مقامات مذکور مقرر می‌دارد: «الف -

هرکس عالماً و عامداً به منظور ابلاغ [مطلبی آن را] در پست الکترونیکی قرار بدهد یا به اداره پست تحویل دهد یا بوسیله هر گونه نامه‌رسانی هر نوع نامه غیررسمی، برگه، نوشته، پرینت، نامه رسمی و یا سندی مشتمل بر هرگونه تهدید به سلب حیات، آدم‌ربایی، ایراد صدمه بدنی علیه رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و... نماید، به جزای نقدی مقرر آدر عنوان هجدهم این قانون [یا حبس کمتر از پنج سال یا هر دو محکوم خواهد شد.] این نوع تهدیدات مؤید اهمیت جایگاه ارتباطات پستی در ایالات متحده آمریکا است.

با بررسی مواد قانونی فوق‌الاشاره می‌توان بیان نمود ارتباطات پستی از دیدگاه قانون ایالات متحده آمریکا در دو حوزه پستی و الکترونیکی تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر، ارتباطات پستی اعم از نامه‌رسانی از طریق اوراق و اداره پست و هم پست الکترونیکی از طریق سیستم‌های رایانه‌ای و یا وسایل مخابراتی می‌باشد. همان‌طور که اشاره شد حقوق کیفری ایران در حوزه ارتباطات پستی سنتی هیچگونه جرم‌انگاری ننموده است، معذک در خصوص تهدید از طریق سیستم‌های رایانه‌ای، موضوع ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ (ماده ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات) موارد ذیل استنباط می‌گردد.

نخست: تهدید از طریق ارتباطات پستی الکترونیکی به صورت محدودی در حقوق کیفری ایران جرم‌انگاری شده است.

دوم: موضوع تهدید صرفاً محدود به دستیابی افراد به محتویات مستهجن و مبتذل، ارتکاب جرائم منافی عفت، استعمال مواد مخدر، خودکشی، انحرافات جنسی و اعمال خشونت آمیز شده است. به عنوان مثال چنانچه (الف) از طریق پست الکترونیکی (ب) را تهدید به خودکشی نماید، رفتار وی منطبق با مفاد ماده ۱۵ قانون اخیرالذکر و قابل مجازات است، در حالی که اگر شخص (الف) متن نامه مذکور را از طریق اوراق پستی و اداره پست تحویل (ب) نماید، رفتاری مشمول عنوان مجرمانه خاصی نخواهد بود و باید به مواد عام رجوع کرد.

سوم: برخلاف مفاد ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) که تهدید بستگان مخاطب نیز مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار گرفته است، در تهدید از طریق سامانه‌های رایانه‌ای اشاره‌ای به تهدید بستگان تهدیدشونده نشده است.

چهارم: با توجه به مفاد ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای ایران، هرگونه تهدید کیفری که از طریق سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، البته با درنظر گرفتن موضوعات مطروحه در ماده قانونی مذکور، صورت بپذیرد، مشمول مجازات خواهد بود و نباید چنین تصور نمود که تهدید کیفری صرفاً باید از طریق ارتباطات پستی رایانه‌ای صورت بپذیرد، بلکه ممکن است از طریق یک

پیامک ساده یا در حین مکالمه در اتاق گفتگوی اینترنتی (چت روم) و یا چاپ مقاله در فضای مجازی باشد. بنابراین رایانه‌ای یا مخابراتی بودن تهدید مذکور در ماده ۱۵ قانون اخیر مورد توجه قانون‌گذار است که یکی از مصادیق آن تهدید از طریق پست الکترونیکی می‌باشد. با عنایت به مواد قانونی فوق، به خوبی ملاحظه می‌گردد، تهدید مذکور صرفاً از طریق به کارگیری ارتباطات پستی اعم از سنتی و الکترونیکی محقق می‌شود. در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا، تهدید کیفری با توجه به مفاد مواد ۸۷۱، ۸۷۶، ۸۷۷، ۱۵۰۳ از عنوان هجدهم مجموعه قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا، در موضوعات محدود و خاصی، می‌تواند از طریق پست سنتی و الکترونیکی محقق شود. در حقوق کیفری ایران و به موجب ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای تهدید کیفری صرفاً از طریق ارتباطات پستی بوسیله سامانه‌های رایانه‌ای و یا مخابراتی و در موضوعات محدود و خاصی محقق می‌شود و تهدید از طریق اوراق پستی و اداره پست در قالب تهدید عام کیفری موضوع ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) قابل بررسی است.

۳-۱-۴- تهدید بوسیله آثار مستهجن و مبتذل

حقوق کیفری ایران رفتار تهدیدآمیزی را که با توسل به آثار مبتذل و مستهجن صورت پذیرد را به طور خاص جرم‌انگاری نموده است. چنین رویکردی در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا مشاهده نمی‌شود، هر چند در آن کشور تهدید به سوء استفاده جنسی به طور خاص در مواد ۲۲۴۲، ۲۲۴۳ و ۲۲۴۴ از عنوان هجدهم مجموعه قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا مشمول مجازات شناخته شده است، لیکن تصریحی به استفاده از آثار مبتذل و مستهجن نشده است. مواد ۴ و ۵ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند به رفتار تهدیدآمیز با توسل به آثار مبتذل و مستهجن پرداخته است که در ادامه به تشریح و تبیین هر یک خواهیم پرداخت. ماده ۴ قانون اخیرالذکر اشعار می‌دارد: «هرکس با سوءاستفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از دیگری، وی را تهدید به افشاء و انتشار آثار مزبور نماید و از این طریق با وی زنا نماید به مجازات زنا یا به عنف محکوم می‌شود ولی اگر عمل ارتكابی غیر از زنا و مشمول حد باشد حد مزبور بر وی جاری می‌گردد و در صورتی که مشمول تعزیر باشد به حداکثر مجازات تعزیری محکوم خواهد شد.» با بررسی مفهوم و منطوق این ماده قانونی نکات ذیل قابل تأمل می‌باشد.

نخست: سوالی که به ذهن متبادر می‌گردد این است که آیا آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده باید متعلق به مخاطب تهدید باشد؟ به عنوان مثال چنانچه (الف) با تهیه فیلم مبتذل یا مستهجن خواهر (ب) با خانم (ب) زنا کند، آیا مشمول عنوان مجرمانه این ماده قانونی خواهد بود و یا اینکه بواسطه عدم تعلق فیلم مزبور به شخص مورد تجاوز، جرم مذکور محقق نمی‌گردد؟ اصول مطروحه بر حقوق کیفری و تفسیر مضیق قوانین کیفری ماهوی، تسری مفاد ماده قانونی مذکور را به غیر شخصی که آثار مبتذل و مستهجن وی تهیه گردیده است، رد می‌کند. بنابراین باید گفت عنوان مجرمانه مطروحه صرفاً در خصوص رفتار شخصی است که با تهیه آثار مبتذل یا مستهجن فردی، همان شخص را تهدید به افشاء و انتشار آثار مزبور و از آن طریق با او زنا می‌کند.

دوم: موضوع تهدید در جرم مذکور صرفاً «افشاء و انتشار آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از مخاطب» می‌باشد و موضوعات دیگر از قبیل قتل، ضررهای جانی، مالی و غیره که در ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) مطرح گردیده است، در این ماده موضوعیت پیدا نمی‌کند. لذا به منظور تحقق وصف مجرمانه موضوع ماده ۴ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند، مرتکب می‌بایست مخاطب خود را به افشاء و انتشار آثار مبتذل و مستهجن تهدید نماید که از وی در اختیار دارد.

سوم: جرم مذکور از جمله جرائم مقید می‌باشد و صرف تهدید دیگری به افشاء و انتشار آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از وی موجب تحقق این جرم نمی‌گردد، بلکه مرتکب باید از این طریق با مخاطب زنا یا رفتارهای مندرج در متن ماده قانونی مذکور را انجام دهد.

چهارم: جرم موضوع ماده ۴ قانون فوق، جرم مرکب محسوب می‌گردد که از دو رفتار مجرمانه تهدید نمودن و زنا یا رفتار دون زنا تشکیل شده است. بنابراین با توجه به موضوع نوشتار حاضر می‌بایست تصریح نمود که تهدید از ارکان اصلی تحقق بزه معنونه می‌باشد.

پنجم: عنصر معنوی جرم مذکور متشکل از سوء نیت عام و سوء نیت خاص می‌باشد. سوء نیت عام، یعنی عمد در تهدید نمودن و به تبع آن زنا یا رفتار دون زنا است و سوء نیت خاص همان آگاهی و خواستن نتیجه می‌باشد.

ششم: انتهای ماده ۴ قانون مذکور که اشعار می‌دارد: «... اگر عمل ارتكابی غیر از زنا و مشمول حد باشد، حد بر وی جاری می‌گردد و در صورتی که مشمول تعزیر باشد به حداکثر مجازات تعزیری محکوم خواهد شد.» رفتار مرتکب باید از زمره جرائم جنسی باشد والا چنانچه مرتکب با تهدید به افشاء و انتشار آثار مستهجن و مبتذل دیگری، او را وادار به سرقت

یا شرب خمر یا کلاهبرداری کند، رفتار وی مشمول ماده ۵ همان قانون می‌گردد. این ماده قانون مقرر می‌دارد: « مرتکبان جرائم زیر به دو تا پنج سال حبس و ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی و هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شوند: الف) وسیله تهدید قراردادن آثار مستهجن به منظور سوء استفاده جنسی، اخاذی، جلوگیری از احقاق حق یا هر منظور نامشروع و غیرقانونی دیگر. ب) تهیه فیلم یا عکس از محل‌هایی که اختصاصی بانوان بوده و آنها فاقد پوشش مناسب می‌باشند مانند حمام‌ها و استخرها و یا تکثیر و توزیع آن. ج) تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی و اختصاصی دیگران و تکثیر و توزیع آن.»

چنانچه منظور قانونگذار از انتهای ماده‌ی ۴ را تمامی جرائم بدانیم، توجیه و تطبیق مصادیق مجرمانه با ماده‌ی ۵ همان قانون با مشکل همراه خواهد بود، لذا باید بیان کرد منظور از عبارت: «عمل ارتكابی غیر از زنا...» در ذیل ماده‌ی ۴ از قانون مذکور رفتارهای مجرمانه‌ای که در زمره‌ی زنا از قبیل لواط و همجنسگرایی، مساحقه و جرائم جنسی قرار می‌گیرد، است.

۲-۴- ایجاد رعب و وحشت

به طور قطع مهمترین ویژگی تهدید کیفری را می‌توان ایجاد رعب و وحشت یا همان ترس در دل مخاطب دانست و قابل مجازات دانستن تهدیدی که چنین اثر مهمی را ایجاد نماید، کمی مشکل به نظر می‌رسد. کافی است که مکره از خطری که در صورت مخالفت متوجه او خواهد شد بیمناک شود. ترس از جان خود و یا خویشاوندان نزدیک، ترس از نقص در اموال، ترس از هتک حیثیت یا ناموس خود همگی در حکم تهدید هستند. ولی ترس مذکور باید سبب عینی و خارجی داشته باشد. مجرد خوف از دیگری تهدید محسوب نمی‌شود. افزون بر آن، اگر اکراه با آزار و صدمه بدنی همراه باشد اکراه مادی است. (اردبیلی، پیشین، ۱۸۰) ایجاد ترس در دیگران در شریعت اسلام، که مبانی قوانین کیفری ایران بر اساس آن تدوین گردیده، مذموم شناخته شده است. چنانچه شخصی دیگری را به ضررهای جانی، مالی، ناموس و یا عرضی بیم دهد، مستحق مجازات خواهد بود و فقه امامیه برای چنین ترساندنی حرمت قائل شده است. از امام صادق (ع) نقل شده است: «مَنْ رَوَعَ مُؤْمِنًا بِسُلْطَانٍ لِيَصِيبَهُ مِنْهُ مَكْرُوهٌ فَلَمْ يَصِبْهُ فَهُوَ فِي النَّارِ، وَ مَنْ رَوَعَ مُؤْمِنًا بِسُلْطَانٍ لِيَصِيبَهُ مِنْهُ مَكْرُوهٌ فَأَصْلَبَهُ فَهُوَ مَعَ فِرْعَوْنَ وَ آلِ فِرْعَوْنَ فِي النَّارِ.» (حرّ عاملی، ۱۱۰۴، ۶۱۴) بدین شرح، کسی که مؤمنی را به گزند شخص قدرتمندی تهدید کند تا به او آسیبی برساند لیکن موفق به این کار نگردد و آسیبی به آن

شخص وارد نشود، بواسطه ترسی که در دل مؤمن ایجاد شده است در آتش خواهد رفت و اگر سعایت او به نتیجه رسیده و به مؤمن آسیبی برسد، چنین کسی با فرعون و فرعونیان در آتش گرفتار خواهد شد. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰، ۵۴۷)

بنابراین ترسی که در جرم تهدید، مورد مطمح نظر قرار می‌گیرد، باید منطبق با سه مفهوم باشد. **نخست** اینکه بزه دیده واقعاً ترسیده باشد. **دوم** اینکه به طرز معقول و متعارفی ترس ایجاد گردد و **آخر** اینکه ترس ایجاد شده پایدار باشد. بنابراین می‌توان بیان کرد ترسی می‌تواند جرم تهدید را تحقق بخشد که واقعی، معقول و پایدار باشد. با این وجود هر یک از مفاهیم و شرایط مذکور مستلزم ایضاح و تبیین هستند که به شرح ذیل به آنها می‌پردازیم.

۱-۲-۴- ترس واقعی^۱

پیش از محکوم نمودن فردی به اتهام تهدید کیفری، مقام تحقیق می‌بایست به احراز این مسئله بپردازد که آیا مخاطب (بزه دیده) تهدید واقعاً ترسیده است یا خیر. به‌عنوان مثال اگر مخاطب بخندد و در پاسخ اظهارات تهدیدآمیز مرتکب بگوید: «خوب، که چی» حالات و اظهارات وی بهترین اماره برای جدی نگرفتن تهدید مرتکب و به تبع آن عدم ایجاد ترس واقعی در مخاطب است. در نقطه مقابل، چنانچه مخاطب در صدد تهیه تجهیزات امنیتی برآید و خود را مخفی نماید، اقدامات مذکور بهترین اماره برای ایجاد ترس واقعی در وی محسوب می‌گردد.

۲-۲-۴- ترس متعارف^۲

ترس ایجاد شده در مخاطب، بواسطه رفتار تهدیدآمیز مرتکب، باید به نحو معقول و متعارفی حاصل شده باشد و به عبارت دیگر رفتار مرتکب به نحو منطقی ایجاد ترس نماید. در اینجا بحث در خصوص اعمال معیارهای عینی^۳ و ذهنی^۴ مطرح می‌گردد. از منظر معیار ذهنی (شخصی) در هر پرونده و بسته به ماهیت تهدید و شرایطی که دارد، صرفاً مخاطب و ترس ایجاد شده در وی مدنظر قرار می‌گیرد و اهمیتی ندارد سایر شهروندان بواسطه چنین رفتاری احساس ترس نمایند. این معیار و ضابطه با ترس متعارف در تعارض است. در نقطه مقابل و از

¹ Actual Fear.

² Reasonable Fear.

³ Objective Test.

⁴ Subjective Test.

دیدگاه معیار نوعی، صرف ترس ایجاد گردیده در مخاطب مهم نیست بلکه آن چیزی که از اهمیت برخوردار می‌باشد این است که نوعاً افراد جامعه و غالب شهروندان بواسطه رفتار تهدیدآمیز مرتکب احساس ترس نمایند.

نکته مهم و قابل توجه این است که ترس متعارف و توانایی انجام موضوع تهدید توسط مرتکب دو مقوله متفاوت به‌شمار می‌آیند و آن چیزی که از اهمیت برخوردار می‌باشد این است که مخاطب به نحو معقول و متعارفی به قریب‌الوقوع بودن تهدید اعتقاد داشته باشد. به‌عنوان مثال شخصی که دیگری را تهدید به تیراندازی به سمت وی می‌کند و دستش را داخل جیبش می‌نماید تا به نظر بیاید داخل جیب وی اسلحه می‌باشد، هر چند واقعاً اسلحه‌ای را حمل نمی‌کند، این برای تحقق تهدید و ایجاد ترس متعارف کافی است، زیرا مخاطب قریب‌الوقوع بودن تهدید را احتمال می‌دهد.

۳-۲-۴- ترس پایدار^۱

ارائه تعریفی دقیق از ترس پایدار با مشکل همراه است. بهترین روشی که برای درک و تبیین مفهوم مذکور می‌توان در نظر گرفت، بررسی حالت ذهنی مخاطب تهدید است. در واقع برای ترس پایدار و اینکه تا چه مدتی ترس واقعی و متعارف در مخاطب باقی خواهد ماند، نمی‌توان چهارچوب زمانی مشخصی را تعیین نمود بلکه تصمیم قضایی باید در هر پرونده‌ای و البته به شرایط و اوضاع و احوال آن باشد. معذک ترس پایدار بیش از چند لحظه به طول خواهد انجامید و آنی نمی‌باشد.

۳-۴-۴- عمدی بودن

از دیگر ویژگی‌های جرم تهدید آن است که مرتکب عامدانه به ارتکاب آن اقدام نماید. به عبارت دیگر مرتکب نسبت به موضوع و نتیجه رفتار تهدیدآمیز خود آگاهی داشته باشد و توأمان ارتکاب چنین رفتاری را بخواهد.

در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا، یکی از ویژگی‌های تحقق تهدید کیفری، عمدی بودن رفتار مرتکب است. به عنوان نمونه در حقوق کیفری ایران جرم عام تهدید موضوع ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) عمدی است ولی به لحاظ این که مقید

¹ Sustained fear.

به نتیجه نیست (جرمی مطلق است) سوء نیت عام کافی خواهد بود. (آقایی نیا، پیشین، ۲۰۷) در ایالات متحده آمریکا نیز تحقق جرم تهدید مستلزم عمد مرتکب است. به عنوان نمونه می توان به مواد ۸۷۱ با عناوین «تهدید علیه رئیس جمهور و جانشین ریاست جمهوری»، ۸۷۸ «تهدیدات و اخاذی علیه مقامات و مهمانان رسمی خارجی، یا اشخاص تحت حمایت بین المللی» و ۸۷۹ «تهدیدات علیه رؤسای جمهور سابق و برخی اشخاص دیگر» از مجموعه قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا اشاره نمود که در صدر مواد قانونی مذکور، قانونگذار ایالات متحده آمریکا به عالمانه^۱ و عمدانه^۲ بودن رفتار ارتكابی مرتکب تصریح نموده است.^۳ بنابراین چنانچه شخص تهدیدکننده در رفتار ارتكابی خود عمد نداشته باشد، اصدار حکم محکومیت وی فاقد وجهات قانونی خواهد بود. (Clarkson, 1987,)

(141)

۴-۴- صریح بودن^۴

تهدید اعم از آنکه مستقیم یا غیرمستقیم باشد، باید صریح باشد. در ایالات متحده آمریکا به صریح بودن تهدید اشاره شده و یکی از ویژگی های تهدید کیفری را صریح بودن تهدید برشمرده است. به عنوان نمونه ماده ۴۲۲ از مجموعه قوانین کیفری ایالت کالیفرنیا در تعریف تهدید کیفری به صریح بودن رفتار مرتکب اشاره نموده است.

این ویژگی، در پرونده رایان در سال ۲۰۰۲^۵ مورد مطمح نظر قضات ایالات متحده قرار گرفت. بدین شرح که لری مکفایل^۶، افسر پلیس مستقر در دبیرستان، در حال رانندگی به

¹ Knowingly .

² Will.

³ §871. Threats against President and successors to the Presidency:

"(a) Whoever knowingly and willfully deposits for conveyance in the mail or for a delivery from any post office or by any letter carrier"

§878. Threats and extortion against foreign officials, official guests, or internationally protected persons:

"(a) Whoever knowingly and willfully threatens to violate section 112, 1116, or 1201 shall be fined under this title or imprisoned not more than five years, or both, except that imprisonment for a threatened assault shall not exceed three years. . . ."

§879. Threats against former Presidents and certain other persons

"(a) Whoever knowingly and willfully threatens to kill, kidnap, or inflict bodily harm upon"

⁴ Unequivocal.

⁵ In re Ryan D (2002).

⁶ Lori Mcphail.

سمت مدرسه بود که ملاحظه کرد، رایان^۱ (که فرد خردسالی بود) با تعدادی از دانش‌آموزان، در خارج از محوطه مدرسه و در اثنای ساعت درسی در حال صحبت است. مکفایل پس از توقف از آنها درباره پرسه زنی در خیابان سوال نمود و در ادامه آنها را بازرسی بدنی کرد و متعاقباً سوار ماشین نمود تا به مدرسه برگرداند. در همین حین از رایان ماری جوانا کشف کرد و او را به شدت مورد خطاب قرار داد. حدود یک ماه بعد از این اتفاق، رایان در کلاس نقاشی، که ملزم به ارائه یک پروژه هنری بود، تصویری را نقاشی کرد که در آن یک شخص خردسالی که گرمکن کلاه دار سبز به تن نموده به پشت سر افسر پلیس زنی که یونیفرم با نشان شماره ۶۷ را پوشیده، شلیک کرده است و در نتیجه موهای افسر خونی شده و تکه‌ای از گوشت صورت وی جدا گردیده است. هنگامی که معلم هنر، نقاشی او را دید، دریافت که نقاشی مذکور ترسناک و نگران‌کننده است، فلذا موضوع را به مدیر اطلاع داد و مدیر مدرسه نیز با بررسی نقاشی و نشان شماره ۶۷ به کار رفته در آن، تشخیص داد که مخاطب نقاشی لری مکفایل می‌باشد و موضوع را به وی اطلاع داد. فردای آن روز، معاون مدرسه در خصوص نقاشی فوق از رایان سوال کرد که وی پس از اینکه ابتدا گفت نقاشی وی تصویر کلی از ناراحتی وی از افسران پلیس است، سرانجام پذیرفت که او همان خردسالی است که در نقاشی، گرمکن کلاه دار سبز پوشیده و قربانی نیز افسر مکفایل است. در ادامه او گفت از دست مکفایل عصبانی است زیرا مکفایل به خاطر داشتن مقداری ماری جوانا او را سرزنش کرده است. روز بعد هنگامی که افسر مکفایل نقاشی را دیده بسیار شوکه شده بود و وی به خاطر تصویر شلیک و پاشیدن سرش غمگین شد و این تصویر او را خیلی ناراحت کرد و او برای چند روزی به مدرسه نیامد.

دادگاه نوجوانان رفتار رایان را مصداقی از تهدید کیفری برشمرد و در خصوص آن مجازات اعمال کرد، لیکن دادگاه تجدیدنظر، با نقض رأی صادره از سوی دادگاه نوجوانان، رفتار رایان را مشمول عنوان مجرمانه تهدید کیفری ندانست و چنین استدلال کرد: «شعرا و نقاشان همیشه برای ابداع جسورانه خود مجوز داشتند. یک نقاشی، حتی اگر شکل خشونت‌آمیزی را به تصویر کشیده باشد، ضرورتاً مبهم است. زیرا آن ممکن است به عنوان یک نماد یا اغراق یا اعتقادات به کار رود. ابهام مذکور ممکن است به واسطه شرایط و اوضاع و احوال پیرامونی تصویر، رفع گردد.»

^۱ Ryan D.

با این وجود قابل مجازات دانستن نقاشی به عنوان تهدید کیفری با تفسیر مضیق قوانین کیفری ماهوی در تعارض است. بنابراین تهدید کیفری باید صریح، روشن، مشخص و فوری باشد.

۵-۴- قریب الوقوع بودن

ارتکاب موضوع تهدید از دیدگاه مخاطب باید قریب الوقوع باشد. بدین شرح که مخاطب احتمال نزدیک ترین (زمان) اجرای موضوع^۱ تهدید را از سوی مرتکب بدهد. البته قریب الوقوع بودن تهدید، بدین معنی نمی باشد که موضوع تهدید باید در همان لحظه به اجرا درآید، بلکه مخاطب تشخیص دهد در صورت عدم همراهی با تقاضا یا درخواست مرتکب، او قادر خواهد بود موضوع تهدید را در هر زمانی که اراده نماید انجام دهد. در واقع با توضیحات مذکور، می توان بیان نمود بین قریب الوقوع بودن تهدید و ایجاد ترس واقعی، متعارف و پایدار در مخاطب رابطه مستقیمی وجود دارد. چنانچه مخاطب تهدید، اجرای موضوع آن را از سوی مرتکب قریب الوقوع تشخیص ندهد، ترس واقعی و متعارف در وی شکل نخواهد گرفت، زیرا انسان متعارف از اظهارات تهدیدآمیز شخصی که می داند وی قادر به انجام موضوع تهدید نیست، نخواهد ترسید. به عنوان نمونه در پرونده لوپز، سال ۱۹۹۹^۲، وی به دلیل بیان جمله: «من دوستانم را می آورم و تو را خواهم کشت» به همسر پدرش و به تبع ارتکاب جرم تهدید به حبس محکوم شد. (Begovich, 2016, 217)

مطابق گزارش افسر ناظر، در سال ۱۹۹۵، آقای آنتونیو لوپز^۳ اقدام به تهدید خانم بتی^۴، همسر پدرش، نمود. لوپز گفت که او می خواهد اسلحه اش را بیاورد و یک تیر بین دو چشم خانم بتی شلیک کند. او همچنین ادامه داد: «پدرم می بایست اسلحه را بین چشمانت (بتی) قرار بدهد و سرت را با گلوله متلاشی کند، تو دله دزد هستی، من می روم تا دوستانم را بیاورم و تو را بکشم.»

الفاظ تهدیدآمیز به کار رفته از جانب لوپز به شدت بتی را مرعوب نموده بود. او سریع آنجا را ترک و موضوع را با پلیس در میان گذاشت. پلیس علیرغم مقاومت از سوی لوپز، او را دستگیر

¹ Immediate possibility of execution.

² People v. Lopez (1999)

³ Antonio Lopez.

⁴ Betty.

کرد. حدود یک هفته بود که لوپز داروی روان‌گردان مصرف می‌کرد. پس از جری تشریفات قانونی لوپز در ماه می سال ۱۹۹۵ به ارتکاب جرم تهدید به حبس یک سال و چهار ماه محکوم شد.

نکته قابل توجه این است که در پرونده فوق تهدید به کار رفته قریب‌الوقوع بود، یعنی مخاطب تهدید (بتی) تشخیص داد که مرتکب (لوپز) قادر به انجام موضوع تهدید (قتل بتی) است و بدین سبب به شدت ترسید و مرعوب شد. رویکرد فوق در حقوق کیفری ایران نیز به رسمیت شناخته شده و محکوم نمودن شخصی که دیگری را تهدید به عملی خارج از توان خود نموده مخدوش است.

۶-۴- غیرقانونی بودن

ویژگی دیگر تهدید که معمولاً بدان پرداخته نمی‌شود و به تبع آن در ارائه تعریفی جامع و مانع از تهدید مغفول واقع می‌شود، غیرقانونی بودن تهدید است. سوالی که مطرح می‌گردد این است که آیا تهدید قانونی وجود دارد؟ پاسخ به این سوال مثبت خواهد بود و مهمترین مصادیق تهدید قانونی را می‌توان، تهدید مهاجم از سوی مدافع در دفاع مشروع و همچنین تهدید متهم از سوی پلیس در زمان فرار وی و لزوم به کارگیری سلاح با توجه به قانون نحوه به کارگیری سلاح و همچنین تهدید دیگری به طرح شکایت علیه او در محاکم قانونی، دانست. در فرضی که متهم در حال فرار کردن است و مأمور پلیس با در نظر گرفتن قانون به کارگیری سلاح، متهم را تهدید به تیراندازی می‌کند، تحقق جرم تهدید، با عنایت به اینکه رفتار مذکور با مجوز قانونی و در راستای اعمال قانون بوده است، ممکن نخواهد بود.

همین رویکرد نیز در خصوص تهدید مهاجم از سوی مدافع در دفاع مشروع اتخاذ می‌شود. هنگامی که مهاجم با قهر و غلبه وارد ملک و حریم خصوصی مدافع شده و قصد تجاوز به همسر او را دارد و مدافع با تهدید او سعی بر احتراز مهاجم در خصوص اعمال نیت شومش را دارد، تهدید کیفری به طور قطع محقق نخواهد شد.

در برخی موارد موضوع تهدید از مصادیق مجرمانه مصرح در قانون نیست که در چنین حالتی نیز تحقق جرم تهدید با مشکل مواجه است. به عنوان مثال شخصی با مراجعه به دادگاه و کسب اطلاع در خصوص رأی یا قرار صادره از سوی مقام قضایی متوجه صدور رأی به ضرر خود می‌گردد. لذا مقام قضایی را تهدید به تنظیم شکایت علیه وی و ارائه آن به دادسرای انتظامی قضات می‌نماید. در چنین فرضی نیز با عنایت به اینکه موضوع تهدید از مصادیق

مجرمانه مطروحه در قانون نمی‌باشد و شکایت و تظلم‌خواهی از حقوق افراد است، جرم تهدید محقق نمی‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

در این قسمت با مطمح نظر قرار دادن مطالب مذکور در نوشتار حاضر و توضیحات بیان شده در بخش‌های فوق و با توجه به سوالات و فرضیات مطروحه، به نتایج ذیل در خصوص جرم تهدید کیفری نائل می‌آییم و به تبع آن به ارائه طریق در رابطه با نواقص و خلاءهای موجود می‌پردازیم.

ساختار شکلی مواد قانونی موجود در خصوص تهدید کیفری دارای نواقص متعددی می‌باشد که لزوم بازنگری قانون‌گذار را در این خصوص طلب می‌نماید.

نواقص مذکور در سه حوزه قابل بررسی و تأمل است.

نخست؛ متن و منطوق مواد قانونی در خصوص تهدید و به طور خاص مواد قانونی مصداق عام تهدید کیفری (مواد ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲ و ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا).

دوم؛ پراکندگی مواد قانونی مرتبط با تهدید کیفری.

سوم؛ خلاءهای قانونی

در خصوص ایراد وارده به حوزه نخست باید خاطر نشان نمود؛ حقوق کیفری ایران، موضوع تهدید را به درستی به موارد قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای سر احصاء نموده است در حالی که موضوع تهدید در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا، ارتکاب هرگونه جرم خشونت‌آمیز است، فلذا موضوع تهدید در حقوق کیفری ایران وسیع‌تر از حقوق کیفری آمریکا می‌باشد و با عنایت به توضیحات مطرح گردیده بیم‌اضرار مالی در برخی موارد همطراز اضرار به جان یا نفس مخاطب تهدید قرار می‌گیرد. خواسته شخص تهدیدکننده در تحقق یا عدم تحقق جرم تهدید نقشی ایفاء نمی‌کند، لیکن شایسته است در تدوین قوانین کیفری قانونگذار مصادیقی که مرتکب با تهدید مخاطب خواسته‌ای نامشروع داشته باشد از مواردی که به صورت مطلق مخاطب را تهدید می‌نماید تفکیک نماید.

دامنه‌ی مشمول تهدید با عنایت به عبارت «... نسبت به خود یا بستگان او...» در ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲) علاوه بر بزه‌دیده، شامل بستگان وی نیز می‌گردد، در حالی که در مفاد ماده ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا صرفاً

بزه دیده مورد مطمح نظر قرار گرفته است و حقوق کیفری ایران به درستی شمول تهدید را به بستگان مخاطب تهدید تسری داده است و ماده ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا به علت عدم اشاره به تهدیدات علیه بستگان مخاطب تهدید با نقص همراه است، هر چند به صورت پراکنده و در برخی مواد قانونی مجموعه قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا بدان اشاره شده است. زیرا همان گونه که به تفصیل مطرح شد در برخی موارد تأثیری که تهدید بستگان نزدیک بر مخاطب می‌گذارد به مراتب بیشتر از تهدید خود مخاطب می‌باشد. با این حال نقص قانون نویسی در ماده ۶۶۹ قانون مذکور به واسطه عدم تبیین و ایضاح بستگان مخاطب تهدید به چشم می‌خورد که این موضوع مستلزم بازنگری از سوی قانون‌گذار است.

در هر دو ماده قانونی هیچگونه تصریحی به سه ویژگی مهم تهدید که عبارت هستند از صریح، قریب الوقوع و غیرقانونی، نشده است.

در خصوص حوزه دوم یعنی پراکندگی مواد قانونی مرتبط با تهدید در حقوق کیفری آمریکا شاهد آن هستیم که در مجموعه قوانین حقوقی ایالات متحده آمریکا هیچگونه تصریحی به تهدید عام کیفری نشده است و به منظور تطبیق رفتارهای مجرمانه به مصداق عام تهدید کیفری می‌بایست به ماده ۳-۲۱۱ قانون جزای نمونه رجوع نمود. در حقوق کیفری ایران چنین پراکندگی به مراتب بیشتر است. تهدید با سلاح، تهدید مأموران، تهدید علیه بهداشت عمومی و نسبت به وسایل حمل و نقل در فصول جداگانه و غیرمرتبط با تهدید عام کیفری اشاره شده است و همچنین تهدید در انتخابات و تأسیسات هوایی در قوانین متفاوتی جرم‌انگاری شدند. در مورد حوزه سوم که خلاءهای قانونی می‌باشد باید متذکر شد در حقوق کیفری آمریکا هر چند کمتر و حقوق کیفری ایران بیشتر با چنین مشکلی مواجه هستیم. در حقوق کیفری ایران قانونگذار به تهدید مقامات از قبیل رییس جمهور، قضات، نمایندگان و اشخاصی که در تصمیمات سیاسی تأثیرگذار هستند، هیچگونه اشاره‌ای ننموده است. همچنین قوانین هر دو کشور فاقد عناوین مجرمانه با موضوع تهدید متهمان از سوی مأموران هستند که با عنایت به توضیحات اشاره شده لزوم جرم‌انگاری آن واضح است.

بنابراین نقص در حوزه‌های سه گانه فوق و ساختار شکلی مواد قانونی فعلی در خصوص تهدید کیفری، لزوم بازنگری قانون‌گذاران هر دو کشور را در این خصوص می‌طلبد. تحقق تهدید کیفری منوط به ایجاد رعب و وحشت در مخاطب نسبت به جان، نفس، عرض و اموال وی و عمدی، صریح، غیرقانونی و قریب الوقوع بودن رفتار مرتکب است.

جرم تهدید با ایجاد رعب و وحشت و ترس در مخاطب بواسطه رفتار مرتکب تحقق پیدا می نماید و چنانچه رفتار تهدیدآمیز مرتکب، ترسی در مخاطب ایجاد ننماید، انطباق رفتار وی با جرم تهدید مشکل خواهد بود. نکته حائز اهمیت این است که ترس ایجاد شده باید با سه شرط و مفهوم مقرون باشد. به عبارت دیگر ترس ایجاد شده بواسطه رفتار مرتکب می بایست واقعی، متعارف و پایدار باشد و در صورتی که ترس فاقد چنین شرایطی باشد، صدور حکم محکومیت نسبت به مرتکب ممکن نخواهد بود. همچنین مرتکب تهدید کیفری در رفتار ارتكابی باید عمد داشته و آن را غیرقانونی انجام داده باشد. توأمان با شرایط مذکور، ارتكاب موضوع تهدید از دیدگاه مخاطب باید قریب الوقوع باشد. بدین شرح که مخاطب احتمال نزدیک ترین (زمان) اجرای موضوع تهدید را از سوی مرتکب بدهد. مع الوصف برای به وقوع پیوستن تهدید از منظر فقه امامیه وجود حداقل پنج شرط ضروری است: ۱- تهدیدِ اکراه کننده (مکره) نسبت به مال، جان یا آبروی اکراه شونده (مُکَرِه) یا بستگان او، ۲- توانایی مُکَرِه بر عملی ساختن تهدید خود، ۳- عارض شدن بیم بر مُکَرِه از ناحیه مُکَرِه، ۴- زیان داشتن فعل تهدید شده، ۵- وجود نداشتن راه رهایی از آن، حتی به فرار یا کمک گرفتن از دیگری. چنانچه یکی از شرایط مذکور در رفتار مرتکب وجود نداشته باشد، تحقق تهدید کیفری غیر ممکن خواهد بود.

منابع

- ۱- آقایی نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی: جرائم علیم اشخاص (شخصیت معنوی)، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۴.
- ۲- آقایی نیا، حسین، سببیت و قتل در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۷.
- ۳- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، بنیاد حقوق میزان، ۱۳۹۳.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
- ۵- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، جلد هشتم، لبنان، دار حیاء التراث العربی، ۱۱۰۴ هـ.ق.
- ۶- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ۷- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۹۳.

- ۸- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه (بخش جزایی)، تهران، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۹- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن و حدیث، جلد دوم، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۰.
- ۱۰- مظفر، محمدرضا، المنطق، ترجمه علی شیروانی، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۲.
- ۱۱- میرمحمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۴.
- ۱۲- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، جلد سی و دوم، بیروت، دارالاحیاء تراث، ۱۳۵۹.
- ۱۳- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء)، فرهنگ نفیس، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۵۶.
- 14- Bacigal J. RONALD. (2002). Criminal Law and Procedure. U.S.A: Delmar Cengage Learning.
- 15- Begovich, Michael [and others]. (2016). California Criminal Sentencing Enhancements. U.S.A: University of California
- 16- Bryan.A Garner. (2004). Black's Law Dictionary. USA: Thomson West. Eight editions.
- 17- Charlie Spiering (sep 29, 2009), "should facebook remove group that want to kill George w.Bush?" Whashington Examiner.
- 18- Clarkson, C.M.V. (1987). understanding criminal law. London, Great Britain: William Collins Sons & Co.Ltd.
- 19- Denno, W. Deborah, McGivney, A. Arthur. (1985). Model Penal Code. U.S.A. NewYork.
- 20- Durkheim, Emile. (1994). The Division of Labour in Society. Translated by W.D. Halls. London: The macmillan Press LTD.
- 21- Elizabeth .A, Martin. Janatan, Law. (2006). Oxford Dictionary of Law. Great Britain: Oxford University Press. Sixth Edition.

